

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH25R95721 ISSN-P: 2676-6442

تشریح ابعاد حقوقی اصول فقه در بانکداری اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

فاطمه انتشاری

چکیده

بانکداری اسلامی، در مقام «نظام حقوقی-مالی» ناگزیر از ترجمه‌ی قواعد فقهی به قواعد حقوقی قابل اجرا در قراردادهای، مقررات‌گذاری، نظارت و حل و فصل اختلاف است. در این میان، اصول فقه (به‌مثابه روش‌شناسی استنباط و اعتبارسنجی احکام) نقش «پل» میان منابع شریعت و نیازهای نهادی بانک مدرن را ایفا می‌کند. هدف این مقاله، تشریح ابعاد حقوقی اصول فقهی در بانکداری اسلامی و نشان‌دادن این نکته است که چگونه قواعد اصولی مانند حجیت ظواهر، امارات و اصول عملی، مصلحت (مصلح مرسله/مصلحت نوعیه)، عرف، مقاصد شریعت، سدّ ذرایع، قواعد نفی ضرر و نفی غرر و نفی ربا به زبان حقوقی (قانون، آیین‌نامه، استاندارد حاکمیت شرعی و قراردادهای بانکی) تبدیل می‌شوند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی است و با تکیه بر استانداردهای بین‌المللی AAOIFI و IFSB و نیز چارچوب‌های حقوقی ایران (از جمله قانون عملیات بانکی بدون ربا و نهاد «شورای فقهی بانک مرکزی») ابعاد «تقنینی»، «قراردادی»، «نظارتی»، «مسئولیت مدنی و حمایت از مصرف‌کننده»، و «دادرسی و حل اختلاف» تحلیل می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچا «ترجمه نهادی» اصول فقه به قواعد الزام‌آور حقوقی ناقص باشد، ریسک عدم انطباق شرعی به ریسک‌های حقوقی، اعتباری و ثبات مالی تبدیل می‌شود، و برعکس، تقویت حکمرانی شرعی و استانداردسازی، امکان هم‌زمان کارآمدی اقتصادی و اصالت فقهی را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: اصول فقه و استنباط احکام معاملات، حکمرانی شرعی و نظارت شرعی بانکی، عدم انطباق شرعی و ریسک حقوقی

بخش اول: مقدمه

بانکداری اسلامی در چهار دهه اخیر از «ایده‌ی حذف ربا» به «صنعت مالی» با محصولات متنوع (مrabحه، اجاره، مشارکت، مضاربه، استصناع، سلم، صکوک و...) تبدیل شده است. اما گسترش محصولات، هم‌زمان تعارض‌های جدیدی پدید آورده است: از یک‌سو بانک مدرن با الزامات ثبات مالی، کفایت سرمایه، شفافیت، حمایت از مشتری و مدیریت ریسک مواجه است، از سوی دیگر بانکداری اسلامی باید نشان دهد که معاملاتش نه تنها «شکل» بلکه «محتوا» و «هدف» شریعت را رعایت می‌کند. اینجاست که اصول فقه به‌عنوان «منطق حقوقی استنباط» اهمیت می‌یابد: اصول فقه تعیین می‌کند چه چیزی دلیل است، چگونه دلالت می‌کند، تعارض ادله چگونه حل می‌شود، و در فقدان دلیل قاطع چه اصل عملی حاکم است. از منظر حقوقی، بانکداری اسلامی صرفاً مجموعه‌ای از فتاوا نیست، بلکه شبکه‌ای از قواعد الزام‌آور است که باید در قالب قانون، مقررات نظارتی، استانداردهای حاکمیت شرعی، و قراردادهای قابل اجرا در دادگاه/داوری تجلی یابد. نمونه روشن آن در ایران، «قانون عملیات بانکی بدون ربا» است که چارچوب عملیات مجاز بانکی را به‌صورت تقنینی تنظیم کرده و هدف‌گذاری نظام بانکی را بر «حق و عدل با ضوابط اسلامی» بنا می‌گذارد. در سطح جهانی نیز استانداردهای AAOIFI در حوزه استانداردهای شرعی قراردادهای و استانداردهای IFSB در حوزه نظارت احتیاطی و حکمرانی شرعی، تلاش کرده‌اند «زبان مشترک حقوقی» برای صنعت ایجاد کنند. به‌ویژه IFSB-۳۱ بر این نکته تأکید می‌کند که ضعف حکمرانی شرعی می‌تواند به مسئولیت حقوقی، لطمه اعتباری و زیان مالی منجر شود.

بخش دوم: بیان مسئله، اهمیت و ضرورت

بیان مسئله: پرسش محوری این است که «اصول فقهی» دقیقاً در کدام نقاط از زنجیره بانکداری اسلامی وارد می‌شود و تبدیل به «قواعد حقوقی الزام‌آور» می‌گردد؟ بسیاری از چالش‌های بانکداری اسلامی (اتهام صوری بودن، اختلاف فتاوا، ناهمگونی قراردادهای، ابهام مسئولیت‌ها، و اختلاف در دعاوی بانکی) ریشه در همین «فاصله ترجمه» دارد: یعنی فاصله میان استنباط فقهی و مهندسی حقوقی (legal engineering) محصول و نهاد.

اهمیت:

۱. اهمیت تقنینی و سیاستی: قانون‌گذار و نهاد ناظر باید بدانند کدام اصول، قابلیت تبدیل شدن به قاعده عمومی و قابل اعمال بر همه بانک‌ها را دارد (مثلاً قواعد نفی ربا/غرر) و کدام اصول ممکن است به اختلاف نظرهای فقهی منتهی شود و نیازمند استانداردسازی است.

۲. اهمیت قراردادی و قضایی: قرارداد بانکی بدون صورت‌بندی حقوقی دقیق، در مقام اجرا با ایرادات «جهالت/ابهام»، «شرط فاسد»، «غرر»، یا «عدم انطباق با قانون» روبه‌رو می‌شود، در نتیجه اصول فقه باید به زبان حقوق خصوصی (ارکان عقد، شروط، ضمانت اجرا) ترجمه شود.

۳. اهمیت ثبات و اعتماد عمومی: ریسک عدم انطباق شرعی می‌تواند به خروج سپرده، لطمه اعتباری و حتی ریسک سیستمی تبدیل شود، لذا حکمرانی شرعی، یک موضوع صرفاً اخلاقی/مذهبی نیست، بلکه مسئله‌ای حقوقی-نظارتی است.

۴. اهمیت ملی برای ایران: وجود «شورای فقهی بانک مرکزی» به عنوان نهاد عالی نظارت فقهی، نشان می دهد نظام حقوقی ایران نیز به نهادمندسازی نظارت شرعی توجه کرده است .

ضرورت پژوهش: ادبیات موجود گاه اصول فقه را صرفاً «پیش نیاز نظری» معرفی می کند و کمتر نشان می دهد که این اصول چگونه به تصمیم های ملموس حقوقی تبدیل می شوند (مثلاً تدوین دستورالعمل قرارداد مرابحه، سازوکار فسخ و جریمه، یا ضوابط افشا و نظارت). این مقاله تلاش می کند با یک چارچوب «بعدمحور»، نقاط تماس اصول فقه و حقوق بانکی را روشن کند.

بخش سوم: مبانی نظری و روش شناسی

مبانی نظری: نسبت «اصول فقه» و حقوق بانکداری اسلامی

۱. اصول فقه به مثابه نظریه اعتبار: اصول فقه تعیین می کند کدام دلیل معتبر است (کتاب، سنت، اجماع، عقل، و در مقام کاربرد، عرف و بنای عقلا در حوزه معاملات). در بانکداری اسلامی، این امر به صورت حقوقی در «قابلیت استناد» و «قابلیت استانداردسازی» خود را نشان می دهد.

۲. مقاصد شریعت و مصلحت: استفاده از مقاصد/مصلحت برای پاسخ به مسائل جدید بانکی (مانند ابزارهای نوین پرداخت، فین تک، یا مدیریت ریسک) اهمیت دارد، اما اگر بدون قیود روشی باشد می تواند به توجیه قراردادهایی بیانجامد که با روح شریعت ناسازگارند، بنابراین، مقاصد باید در چارچوب اصول فقه و ضوابط حقوقی قابل سنجش وارد شود .

۳. قواعد فقهی حاکم بر معاملات: قواعدی مانند نفی ربا، نفی غرر، لاضرر، وفای به عقد، شرط ضمن عقد، ید، اتلاف و تسبیب در بانکداری اسلامی نقش «اصل حاکم» دارند و مبنای طراحی ضمانت اجراهای حقوقی‌اند. در ادبیات داخلی نیز بر نقش قواعدی چون نفی غرر، ممنوعیت ربا، لاضرر و حفظ مصالح عمومی برای توجیه ضرورت نظارت شرعی بانکی تأکید شده است.

مبانی حقوقی-نهادی

۱. چارچوب قانونی ایران: قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات بعدی) به‌عنوان ستون فقرات حقوقی عملیات بانکی مبتنی بر ضوابط اسلامی.

۲. نهاد نظارت شرعی در ایران: شورای فقهی بانک مرکزی» در مقام عالی‌ترین نهاد نظارت فقهی و انطباق با شریعت در نظام بانکی.

۳. استانداردهای بین‌المللی:

- AAOIFI در تدوین استانداردهای شرعی قراردادهای حاکمیت.
- IFSB در تدوین اصول نظارتی و حکمرانی شرعی، به‌ویژه (۳۱-IFSB مصوب ۲۰۲۵) در نظارت مؤثر بر حکمرانی شرعی.

بخش چهارم: تشریح ابعاد حقوقی اصول فقهی در بانکداری اسلامی

در این بخش، پنج «بعد حقوقی» معرفی می‌شود. در هر بعد، نشان می‌دهیم کدام اصل/قاعده اصولی نقش‌آفرین است و خروجی حقوقی آن چیست.

بعد تقنینی و سیاست گذاری: از «حجیت» تا قانون

الف) مسأله حقوقی: بانکداری اسلامی بدون تقنین، به مجموعه ای از رویه های پراکنده و قراردادهای ناهمگون تبدیل می شود، در نتیجه، امنیت حقوقی و پیش بینی پذیری کاهش می یابد.

ب) نقش اصول فقه:

حجیت ظواهر و اطلاعات: در تنظیم قانون و مقررات، متن باید روشن، قابل تفسیر و کم ابهام باشد تا «حمل بر ظاهر» و «اصل عدم زیاده» امکان پذیر گردد.

مصلحت و مقاصد: قانون گذار غالباً ناچار است در حوزه های جدید، با معیار مصلحت نوعیه/عمومی و در چارچوب مقاصد (عدالت، شفافیت، رفع ضرر، حفظ مال) تصمیم بگیرد، اما این تصمیم باید به صورت حقوقی قابل سنجش و قابل نظارت تدوین شود تا به «سلیقه گرایی» تبدیل نشود.

ج) نمونه نهادی:

- در ایران، قانون عملیات بانکی بدون ربا «عملیات مجاز» و اهداف نظام بانکی را در قالب مواد قانونی صورت بندی کرده است.
- در سطح جهانی، AAOIFI تلاش می کند صورت بندی نسبتاً استاندارد از قراردادهای ارائه دهد تا اختلاف های فقهی به اختلاف حقوقی مخرب تبدیل نشود.

د) نتیجه حقوقی: تقنین مبتنی بر اصول فقه، باید سه ویژگی داشته باشد: شفافیت، قابلیت اجرا، و قابلیت نظارت، و گرنه «حکم شرعی» به «قاعده حقوقی الزام آور» تبدیل نمی شود.

بعد قراردادی و حقوق خصوصی: مهندسی عقد، شرط و ضمانت اجرا

الف) مسأله حقوقی: بانکداری اسلامی در عمل با «قراردادهای انبوه» سر و کار دارد. اگر ارکان عقد، اوصاف ثمن و مضمن، زمان و مکان ایفای تعهد، و شروط ضمن عقد دقیق تنظیم نشود، اختلاف‌ها به دعاوی گسترده تبدیل می گردد.

ب) اصول فقه مؤثر در تنظیم قراردادها:

۱. اصل لزوم وفای به عقد و اصل صحت: در حقوق خصوصی، اصل بر صحت و نفوذ قرارداد است مگر خلافش ثابت شود، در بانکداری اسلامی، این اصل باید با خطوط قرمز شرعی (نفی ربا/غرر/قمار) جمع شود تا «اصل صحت» ابزار پوشاندن ربا یا غرر نشود.

۲. قاعده نفی غرر و جهالت: بسیاری از منازعات قراردادی بانکی از «ابهام در تعهدات» ناشی می شود (نرخ، کارمزد، زمان بندی، شرط فسخ، وجه التزام). ترجمه حقوقی نفی غرر یعنی طراحی متن قرارداد به گونه ای که ابهام مؤثر را به حداقل برساند.

۳. قاعده لاضرر و منع اضرار: در حقوق بانکی، تعیین جریمه ها، شرط های یک طرفه و شیوه های وصول مطالبات باید با معیار «عدم اضرار ناموجه» سنجیده شود، زیرا در غیر این صورت هم با چالش شرعی مواجه است و هم با ریسک های حقوق مصرف کننده.

۴. عرف و بنای عقلا: در بسیاری از مسائل بانکی (نحوه محاسبه هزینه‌ها، رویه‌های تسویه، استانداردهای بازار) عرف نقش مهمی دارد، اما عرف باید «معتبر» و «غیرمخالف با شرع» باشد تا از منظر اصولی، قابلیت استناد پیدا کند.

ج) پیوند با استانداردها:

- استانداردهای شرعی AAOIFI با ارائه صورت‌های قراردادی (مانند مرابحه، اجاره، مشارکت) تلاش می‌کنند عناصر عقد و شروط صحیح را روشن کنند تا «ریسک حقوقی بطلان/فسخ» کاهش یابد.

د) نکته کلیدی (کارکردی): (در بانکداری اسلامی معاصر، خطر اصلی آن است که قراردادها صرفاً «بازنویسی صورتی قراردادهای بهره‌ای» شوند. پاسخ اصولی-حقوقی به این خطر، تمرکز بر سبب اقتصادی معامله، انتقال واقعی مالکیت/منفعت/ریسک و شفافیت تعهدات است، یعنی جایی که اصول فقه، از طریق معیارهایی مانند نفی غرر و مقاصد، کیفیت حقوقی قرارداد را کنترل می‌کند.

بعد نظارتی و حکمرانی شرعی: تبدیل «فتوا» به کنترل نهادی

الف) مسأله حقوقی: حتی اگر محصول در طراحی اولیه شرعی باشد، در اجرا ممکن است منحرف شود. بنابراین، بانکداری اسلامی نیازمند نظام حکمرانی شرعی است که هم «پیشینی» (ex ante) و هم «پسینی» (ex post) «کنترل کند».

ب) جایگاه اصول فقه:

حجیت نظر کارشناس/مرجع صلاحیت دار: در سطح نهادی، نهادهایی مانند کمیته/شورای شرعی نقش «مرجع صلاحیت دار» را می یابند و نظر آنان در نظام حقوقی و نظارتی، به صورت مقرر یا دستورالعمل ترجمه می شود.

اصل احتیاط در موارد مشتبّه: در طراحی کنترل ها (به ویژه برای ریسک عدم انطباق شرعی) رویکرد احتیاطی می تواند مبنای سازوکارهای کنترل داخلی و افشا باشد.

ج) چارچوب های روزآمد نظارتی:

- (۳۱-IFSB ۲۰۲۵) اصول راهنمای نظارت مؤثر بر حکمرانی شرعی را ارائه می کند و بر نقش نهاد ناظر در کنترل ریسک عدم انطباق شرعی و پیامدهای حقوقی/اعتباری آن تأکید دارد .

- تجربه های ملی نیز نشان می دهد استانداردسازی شرعی (مثلاً پذیرش تدریجی استانداردهای AAOIFI در برخی کشورها) با هدف همسان سازی رویه ها انجام می شود .

د) نمونه ایران:

بانک مرکزی ایران «شورای فقهی» را به عنوان نهاد عالی نظارت فقهی معرفی کرده است . همچنین بر اساس ماده ۱۶ قانون برنامه ششم توسعه، پیگیری اجرای مصوبات شورا و نظارت بر حسن اجرا مورد توجه قرار گرفته است .

ه) نتیجه حقوقی: حکمرانی شرعی کارآمد، باید به «مسئولیت‌پذیری حقوقی» منتهی شود: تعیین دقیق حدود صلاحیت، فرآیند تصمیم‌گیری، مستندسازی ادله (audit trail)، و سازوکار رسیدگی به موارد عدم انطباق.

بعد مسئولیت حقوقی و حمایت از مشتری: از عدم انطباق شرعی تا مسئولیت مدنی

الف) مسأله حقوقی: مشتری در بانکداری اسلامی معمولاً انتظار دارد علاوه بر بازده و خدمات، انطباق شرعی نیز تضمین شود. اگر بانک ادعای انطباق کند اما در عمل خلاف آن ثابت گردد، بحث «مسئولیت» مطرح می‌شود: مسئولیت قراردادی (نقض تعهد)، مسئولیت مدنی (تسبیب زیان)، و حتی مسئولیت انتظامی/نظارتی.

ب) نقش اصول فقه در تعریف مسئولیت:

قاعده غرور (فریب) و قاعده اتلاف/تسبیب: اگر مشتری بر پایه اطلاعات یا تبلیغات بانک وارد معامله شود و بعداً عدم انطباق یا زیان رخ دهد، مبنای اصولی مسئولیت می‌تواند فعال شود.

قاعده لاضرر: حمایت از مشتری و جلوگیری از شروط یک‌طرفه نامتوازن، هم پشتوانه فقهی دارد و هم با حقوق مصرف‌کننده و سیاست‌های ثبات مالی سازگار است.

ج) پیوند با استانداردهای نظارتی:

IFSB بر این نکته تأکید می‌کند که عدم انطباق شرعی ممکن است به مسئولیت حقوقی، لطمه اعتباری و خسارت مالی بینجامد، بنابراین، افشا، کنترل داخلی و سازوکار جبران، باید بخشی از معماری حقوقی بانکداری اسلامی باشد.

(د) ترجمه عملی (پیشنهاد حقوقی-قراردادی)

درج بندهای افشای شفاف درباره ماهیت قرارداد، ریسک‌ها، و مبنای شرعی (در حد قابل فهم برای مشتری).

تعیین سازوکار رسیدگی به شکایات شرعی و گزارش دهی شفاف (همراه با ضمانت اجرا).

پیش‌بینی سازوکار جبران در صورت احراز عدم انطباق (با رعایت موازین فقهی درباره تملک نامشروع و ردّ منافع).

بعد حل اختلاف، تفسیر و دادرسی: از تعارض ادله تا تعارض دعاوی

الف) مسأله حقوقی: اختلاف‌ها در بانکداری اسلامی غالباً دو لایه دارند:

۱. اختلاف «حقوقی» (تفسیر قرارداد، ادله اثبات، خسارت)

۲. اختلاف «شرعی-اصولی» (درستی شرط، ماهیت عقد، تحقق غرر/ربا)

ب) نقش اصول فقه در تفسیر و حل تعارض:

قواعد تعارض و ترجیح: وقتی قرارداد یا رویه بانکی با چند برداشت مواجه شود، اصول فقه با منطق «ترجیح» و «جمع عرفی» می‌تواند الهام‌بخش قواعد تفسیری باشد.

اصول عملی: در موارد فقدان دلیل روشن، اصولی مانند برائت/احتیاط/استصحاب، در سطح روشی اهمیت دارند، در سطح حقوقی، معادل آن‌ها می‌تواند «اصل صحت»، «اصل برائت از مسئولیت بدون دلیل»، یا «اصل بقای قرارداد» باشد البته با مرزبندی دقیق.

صلاحیت نهادهای تخصصی: یکی از مباحث مهم این است که در دعاوی بانکی اسلامی، نظر نهاد شرعی (شورا/کمیته) چه جایگاهی در رسیدگی قضایی یا داوری دارد و چگونه باید در «دلایل پرونده» مستند شود.

ج) نتیجه حقوقی: اگر پیوند میان «نظام نظارت شرعی» و «نظام حل اختلاف» روشن نباشد، بانک و مشتری هر دو با نااطمینانی مواجه می‌شوند. استانداردسازی (AAOIFI) و تقویت نظارت بر حکمرانی شرعی (IFSB-۳۱) می‌تواند اختلاف‌ها را پیش از ورود به مرحله دعوا کاهش دهد.

نتیجه‌گیری

ابعاد حقوقی اصول فقهی در بانکداری اسلامی را می‌توان در یک گزاره خلاصه کرد، اصول فقه، منطق تبدیل «هنجار شرعی» به «قاعده حقوقی قابل اجرا» است. این تبدیل در پنج نقطه کلیدی رخ می‌دهد: (۱) تقنین و سیاست‌گذاری، (۲) مهندسی قراردادها، (۳) حکمرانی و نظارت شرعی، (۴) مسئولیت و حمایت از مشتری، و (۵) حل اختلاف و تفسیر. شواهد نهادی نشان می‌دهد که حرکت به سمت استانداردسازی شرعی (AAOIFI) و ارتقای چارچوب‌های نظارتی حکمرانی شرعی (به‌ویژه IFSB-۳۱) پاسخی مستقیم به پیامدهای حقوقی عدم انطباق است. در ایران نیز «قانون عملیات بانکی بدون ربا» و نهاد «شورای فقهی بانک مرکزی» نشان می‌دهد که ترجمه اصول فقه به ساختار حقوقی، نه یک امر نظری بلکه نیاز نهادی است.

پیشنهادهای

۱. پیشنهاد تقنینی: تدوین یا بازنگری مقررات بانکی با تمرکز بر «شفافیت ضد غرر»، «تفکیک کارمزد مشروع از ربا»، و «ضمانت اجرای دقیق برای عدم انطباق». (مبنای اصولی: نفی غرر، نفی ربا، لا ضرر)
۲. پیشنهاد نظارتی: پیاده سازی کامل چرخه حکمرانی شرعی شامل پیش تصویب محصول، کنترل اجرای قرارداد، گزارش دهی و افشا، و سازوکار اصلاح و جبران، با هم ترازى با چارچوب های IFSB-۳۱۰
۳. پیشنهاد قراردادی: طراحی «قراردادهای نمونه» با زبان ساده، افشای ریسک ها و ارکان عقد، و کاهش شروط مبهم، همراه با پیوست های استاندارد (جدول پرداخت، شرایط فسخ، نحوه محاسبه هزینه ها).
۴. پیشنهاد حل اختلاف: توسعه داوری/میانجی گری تخصصی در دعاوی بانکداری اسلامی و ایجاد سازوکار رسمی برای مستندسازی نظر شرعی و اتصال آن به پرونده حقوقی.
۵. پیشنهاد پژوهشی: انجام مطالعات میدانی درباره ریسک عدم انطباق، تحلیل پرونده های دعاوی بانکی، و سنجش اثر استاندارد سازی AAOIFI بر کاهش اختلاف ها و هزینه های حقوق

منابع و مآخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (بی تا). *شورای فقهی بانک مرکزی*.
۲. مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۲). *قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)*. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۳. مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). *قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران* (مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰؛ تأیید مجمع ۱۴۰۲/۸/۱۷). مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۴. نوابی مقدم، ز.، زارع، ع.، یوسفی صادقلو، ا.، و جمالی، ج. (۱۴۰۲). *مبانی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راهکارهای اجرایی شدن آن در نظام بانکداری اسلامی*. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۵ (۳۱)، ۱۶۹-۱۹۰.
۵. یثربی، س. ع. م. (۲۰۲۳). *پویایی قواعد فقه در توجیه، تصحیح و تکمیل معاملات بانکی*. پژوهش های قواعد فقه و حقوق اسلامی.
۶. قبولی درافشان، س. م. ه.، و قبولی درافشان، س. م. م. (۱۳۹۶). *تحلیل فقهی حقوقی ماهیت و قلمرو قرارداد مرابحه (با رویکرد بانکداری بدون ربا)*. اقتصاد اسلامی، ۱۷ (۶۶).
۷. آهنگران، م. ر.، و ملاکریمی خوزانی، ف. (۱۳۸۹). *بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی*. اقتصاد اسلامی، ۱۰ (۴۰).

۸. حسن نژاد، م.، و باریکلو، ع. (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی کارایی و کارکرد جریمه دیرکرد بانکی، *اقتصاد مالی*، ۱۹ (۳).

۹. نظریور، م.، و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۴). بررسی قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی از دید قواعد فقهی، *اقتصاد اسلامی*، ۱۵ (۵۷).

۱۰. نوذری فردوسی، م.، فرجی، ف.، و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۹). ارزیابی فقهی تسهیم سود و زیان در قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۲ (۱) (پیاپی ۲۳)، ۲۱۱-۲۲۸.

۱۱. مهدوی پارسا، ع. (۱۳۹۷). چارچوب و اصول اساسی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۹ (۲) (پیاپی ۱۸).

۱۲. صدر، محمدباقر. (بی تا). *البنک اللاربوی فی الاسلام* [معرفی/کتاب شناسی]. پژوهشگاه تخصصی شهید صدر.

۱. Islamic Financial Services Board (IFSB). (۲۰۲۵). *IFSB-۳۱: Guiding principles for effective supervision of Shari'ah governance*.

۲. Islamic Financial Services Board (IFSB). (۲۰۲۵). *IFSB Council adopts IFSB-۳۱ (press release)*.

۳. Islamic Finance News. (۲۰۲۵). *IFSB's new standard strengthens risk management in Islamic banks*.